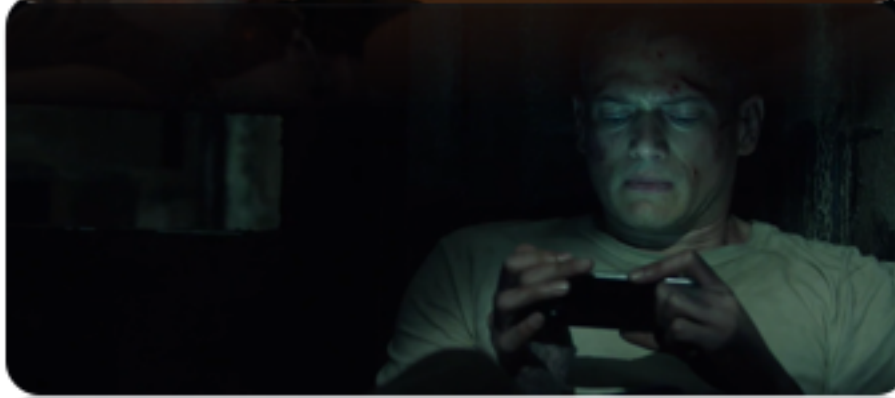


اصطلاحات و لغات سریال
فرار از زندان S05_E03



محمد دوجی 1396/02/07

Someone in the prison he hasn't met.

یه نفر تو زندان که باهات ملاقات نداشته.

Errand

ماموریت - پیغام - پیغام رسانی

gives him gum in exchange for errands.

اون در ازای انجام ماموریت بهش آدامس میده.

He says he's frightened.

میگه که اون ترسیده.

Tell him it's all right.

بهش بگو که مشکلی نیست.

He can have the whole lot
if he keeps the messages coming.

اون میتونه همشو داشته باشه
در صورتی که بازم پیام ها رو بیاره.

Presence

حضور

remember me in the presence of your lord.

من را در حضور پروردگارت به خاطر بیار.

Calligraphy

خوش نویسی - خطاطی

the calligraphy is unusual.

وضعیت نوشتاریش غیر طبیعیه.

You think his brother sent us a map?

تو فکر میکنی که برادرش برای ما نقشه فرستاده؟

dot

نقطه

he's trying to give us a location.

اون سعی داره که به ما یه لوکیشن بده.

A location for what?

لوکیشن چی؟

the only thing I can think of

تنها چیزی که میتونم بهش فکر کنم

your brother is your business now.

برادرت الان همه کارت شده.

I have to get my family on a flight tonight.

من باید امشب خونوادهام رو سوار هواپیما کنم.

Before the airport shuts down.

قبل از اینکه فرودگاه تعطیل شه.

Hold up.

صبر کن.

We need tickets.

ما به بلیط نیاز داریم.

Mercenary brother

برادر مزدور

how are you going to do that without any money?

تو چطوری میخوای این کار رو بدون هیچ پولی انجام بدی؟

something tells me that ...

یه چیزی بهم میگه که ...

careful

مراقب باش

accuse

متهم کردن

you're accusing me of having a heart.

تو داری من رو به داشتن قلب متهم می کنی.

Get out of my way.

از جلوی راهم برین کنار.

Keep it together.

جلوی خودتون رو بگیرین.

One of those hits us now.

یکی از اینا بالاخره به ما میخوره.

After all this time.

بعد از این همه مدت.

I swear to god.

به خدا قسم میخورم.

We get through today and we're on the bricks.

ما امروز از اینجا میزنیم بیرون.

And then what?

و بعدش چی؟

it was four years ago.

این برای چهار ساله پیشه.

Rubble

ویران شدن - از بین رفتن

everything is probably under rubble by now.

همه چی احتمالا تا الان از بین رفته.

I got someone on it.

من یه نفر رو برای این کار دارم.

I'm talking about the only person I trust in the world.

من دارم درمورد تنها کسی که تو دنیا بهش اعتماد دارم میسپارم.

As much as I trust you.

همون قدری که به تو اعتماد دارم.

So, this is it, the spot on the map.

خب ، همینه ، نقطه رو نقشه

the owner says...

صاحبش میگه...

question is what was he using this place for.

سوال اینه که برای چی اینجا رو میخواست؟

but it looks like he just wasn't planning on getting himself out.

اما به نظر میرسه که اون فقط برای فرار خودش نقشه نمیچیده.

He was getting Abu Ramal out.

اون میخواد ابو رامال رو فراری بده.

Round up the infidels.

کافر ها را بگیرید.

Deviant

منحرف - غیر سالم

what the hell's going on?

چه خبره؟

Ramal's men are gonna institute Sharia law.

افراد رامال میخوان قانون شریعت رو اجرا کنن.

And that son of a bitch himself is gonna enjoy the show.

و اون حرومزاده هم قراره از این نمایش لذت ببره.

We just have to keep our heads down.

ما فقط باید سرمون رو پایین نگه داریم.

So we can get out tonight.

پس امشب میتونیم بریم بیرون.

This is the deviant?

این اون منحرف بوده؟

get back.

بکش عقب.

Just let him go.

اون رو ول کن بره.

Stay out of this.

تو این کار دخالت نکن.

The escape is tonight.

برنامه فرار امشب.

Get to the point.

برو سر اصل مطلب.

Then I'll do it.

پس من این کار رو میکنم.

Do not touch him.

به اون دست نزن.

There will be no killing in this prison.

هیچ کشت و کشتاری تو این زندان نخواهد بود.

He's tried to contact her before.

اون قبلا خواسته باهاش ارتباط برقرار کنه.

Only difference is he succeeded this time.

تنها فرقی اینه که این دفعه موفق شده.

Ask a question?

یه سوال بپرسم؟

I got sent to her house a couple of days ago.

من چند روز پیش به خونه اش فرستاده شدم.

How's that work?

این قراره چطوری کار کنه؟

it's all chess.

همه اش مثل شطرنجه.

Now all we got to do is listen in.

الان تنها کاری که باید انجام بدیم گوش کردنه.

She's the one that's going to lead us to him.

اون زنه کسیه که ما رو به اون میرسونه.

They said I can go in the morning.

اونا گفتن که من صبح میتونم برم.

That's not something you usually just get up and walk away from.

این چیزی نیست که به راحتی بتونی بلندشی و بری.

When you are discharged..

وقتی که تو مرخص شدی..

I'll just pick you up with Mike and we'll go.

من میام دنبالت و مایک رو برمیدارم و میریم.

You don't want to be in the house, do you?

تو که نمیخواهی داخل خونه بمونی ، درسته؟

the face is amazing.

صورتت فوق العاده است.

I mean..

منظورم اینه که ..

you're not trying to get somewhere, are you?

تو که قرار نیست به جایی بری ، درسته؟

yes, actually.

آره ، در واقع

compatriot

هم وطن – هم میهن

I come as a compatriot.

من به عنوان یک هم وطن اومدم.

Get out of my way or I'll scream.

از جلوم برو وگرنه جیغ میزنم.

Last thing I want.

آخرین چیزی که میخوام.

For your information.

محض اطلاعات

tell me what you know.

بگو چی میدونی.

The day I hit the bricks from Fox River.

روزی که از فاکس ریور آزاد شدم.

Unsolicited

ناخواسته

if you're coming to me for answers, I don't have any.

اگه برای جواب پیش من اومدی من چیزی برای گفتن ندارم.

I went looking for answers.

من دنبال جواب رفتم.

He's drawing us into something, isn't he?

اون داره ما رو وارد یک قضیه ای میکنه، درسته؟

he wants something, doesn't he?

اون یه چیزی میخواد، مگه نه؟

come near me or my family again, I will kill you.

بک بار دیگه فقط نزدیک من و خانوادم شو، من تو رو میکشم.

We can figure this out together.

ما میتونیم این مشکل رو حل کنیم.

We have all heard the war.

ما همه درمورد جنگ شنیدیم.

Corrupt

فاسد – فاسد کردن – خراب کردن

supersede

جانشین شدن – جایگزین چیزی شدن

the law of God supersedes the law of this corrupt land.

قانونی که خدا گذاشته ، قانون این سرزمین فاسده.

We will not be reduced to animals.

ما کمتر از حیوانات نخواهیم شد.

Amazing you still trust him.

عجیبه که هنوز بهش اعتماد داری.

He will use you for the escape and he will leave you.

اون برای فرار از تو استفاده میکنه و بعدش ترکت میکنه.

No one's escaping.

هیچ کس فرار نمیکنه.

Who are you?

تو کی هستی؟

A man who knows your friend.

یه نفر که دوستت رو میشناسه.

More than anyone in this prison.

بیشتر از همه تو این زندان.

I was in solitary with him.

من تو انفرادی با اون بودم.

For years.

برای چندین سال

yeah, so was I.

آره منم همینطور.

He told me about the escape.

اون به من درمورد فرار گفت.

We have to work together.

ما باید با هم کار کنیم.

Convince

متقاعد کردن.

But I told him no.

اما من بهش گفتم نه.

I would not leave my brother.

من برادرم رو تنها نمیذارم.

That is the army in me.

این ارتش وجود منه.

The Christian in me.

مسیح در درون من.

He is an opportunist.

اون یک فرصت طلبه.

He will use whoever he needs.

اون از هرکس که بتونه استفاده میکنه.

He has told you something about the escape. I know he has.

اون یه چیزی در مورد فرار بهت گفته، من میدونم که گفته.

Before he uses you to get that devil out.

قبل از اینکه از تو استفاده کنه و اون شیطان رو از اینجا خارج کنه.

We are all left here to die.

ما همه اینجا تا زمان مرگ رها میشیم.

You think you can help us?

فکر میکنی بتونی به ما کمک بکنی؟

we're gonna trust this guy?

ما قراره به این یارو اعتماد کنیم؟

he's the one who stole my passport in the first place.

این کسیه که پاسپورت من رو دزدید.

Forger

جعل کردن.

If you want, I can have the forgers make you another.

اگه میخوایی میتونم یکی دیگه برات جعل کنم.

Fake

جعل

my own fake passport coming from you?

پاسپورت جعلی من از طرف تو میاد؟

you have another option?

گزینه دیگه ای داری؟

quick, I'm leaving the city.

سریعتر، من دارم شهر رو ترک میکنم.

Nowhere is safe anymore.

هیچ جا امن نیست دیگه.

You screw with me and I'll kill you.

با من دربیوفتی من میکشمت.

That means we're gonna have to split up.

این یعنی که ما باید تقسیم بشیم.

Spokesperson

سخنگو

the capital of Yemen grows ever closer to collapse.

پایتخت یمن به فروپاشی نزدیکتر شده.

You fix phones, right?

شما موبایل رو درست میکنین، درسته؟

I think somebody hacked my cell.

فکر کنم یه نفر گوشیم رو هک کرد.

Is there any chance you can help me figure out who?

شانسی هست که بهم بگی کار کی بوده؟

the yard is not safe.

حیاط امن نیست.

Just promise me I can trust you.

فقط به من قول بده من میتونم بهت اعتماد کنم.

We've been working together.

ما با هم کار کردیم.

You've been able to trust me the whole time.

تو قادر بودی تمام این مدت به من اعتماد کنی.

I couldn't even hear a voice.

من نمیتونستم صدایی بشنوم.

Maybe something's changed.

شاید یه چیزی تغییر کرده.

Nothing's changed.

هیچ چیز تغییر نکرده.

Poseidon put us in here to get Ramal out.

پوسایدن از ما خواسته تا رامال رو بیاریم بیرون.

But then he abandoned us.

اما اونا مارو رها میکنن.

Why are we still getting him out?

چرا داریم هنوز اونو فراری میدیم؟

I'm not leaving you behind.

من تورو رها نمیکنم.

You'll understand later.

تو بعدا متوجه میشی.

I want to understand now.

من میخوام الان بفهمم.

Get your hands off me.

دستت رو از من بکش.

Answers, now. I'm serious.

جواب بده، الان. من جدی ام.

I said don't touch me.

گفتم به من دست نزن.

Okay, that's fair.

باشه این عادلانهست.

By tomorrow, we won't have worry about him.

تا فردا، قرار نیست درموردش نگران باشیم.

Keep your head down.

سرت رو پایین نگه دار.

Don't make eye contact with anybody.

با هیچ کس چشم تو چشم نشو.

Glorious

مجلل – عظیم – با شکوه – خیلی خوب

right when the glorious revolution is beginning.

درست زمانی که بهترین انقلاب داره رخ میده.

I'm not here for political discussion.

من اینجا برای بحث سیاسی نیومدم.

I'm sorry I hit you.

شرمنده که زدمت.

I can explain.

میتونم توضیح بدم.

Can you explain why you were going to let that man kill me?

میتونی بگی چرا گذاشتی اون مرد من رو بکشه؟

I wouldn't have let him kill you.

نمیداشتم که اون تورو بکشه.

Chum

رفیق بودن – دوست بودن

you sure seem to be chums with the head of ISIL.

به نظر میاد با داعشی ها خیلی رفیق شدی.

Didn't know you participated in these conversations.

نمیدونستم تو هم جزوی از این گفت و گویی.

Only when they are interesting.

فقط زمانی که اونا علاقمندند.

And they're usually not.

و معمولاً نیستن.

There are people in my government,

افرادی تو دولت من هستند

believe it or not,

باور میخوای کنی یا نه.

That's the job Whip and I were sent here to do.

این کاریه که من و ویپ برای انجامش به اینجا فرستاده شدیم.

But for some reason.

اما برای دلایلی

we were betrayed.

به ما خیانت شد.

Crucial

حیاتی

every one of you is crucial to that plan.

هر کدوم از شما برای این نقشه حیاتی هستین.

Getting over that wall is just the start.

بالارفتن از اون دیوار تازه شروعشه.

There are things only you can do.

چیزهایی وجود داره که فقط تو میتونی انجام بدی.

Back on point: you hit me.

برگردیم به موضوع: تو منو زدی.

Proof

اثبات - دلیل - مدرک - گواه

You wanted proof that I sided with you and not Ramal.

تو میخواستی که من ثابت کنم طرف تو هستم نه رامال.

Kaniel Outis keeps playing, doesn't he?

کنیل اوتیس هنوز داره بازی میکنه، مگه نه؟

I don't know what you're talking about.

نمیدونم داری درمورد چی حرف میزنی.

I'm going to break you in half, when I find that watch, you know?

میخوام از وسط دو شقه ات کنم، وقتی ساعتو پیدا کنم، میدونی؟

it's not here.

اینجا نیست.

No one gets out of their cells.

هیچ کس از سلولش خارج نمیشه.

Until that watch is found.

تا زمانی که اون ساعت پیدا بشه.

I told you, Ramal's not going anywhere. Only we are.

بهت گفتم که رامال قرار نیست جایی بره، فقط ما میریم.

We're gonna be locked in our box just like the rest of them.

ما قراره مثل بقیه تو سلولمون زندانی بشیم.

Only our box has a way out.

فقط سلول ما راه فرار داره.

We're gonna disappear from this place like ghosts.

ما مثل روح از اینجا ناپدید میشیم.

Who are these men you work with?

اینا کین که تو باهاشون کار میکنی؟

beneath

کمتر از - کوچکتر از - پایینتر از

they are beneath you.

اونا کمتر از تو هستن.

It pains me to hurt you.

عذابم میده که بخوام بهت آسیب بزنم.

A good woman is a humble woman.

یه زن خوب یه زن فروتنه.

Remember that.

اینو یادت باشه.

Who are these men?

این مردا کین؟

doesn't matter.

مهم نیست.

They're leaving.

دارن میرن.

I am not the bad guy here.

من اینجا آدم بده نیستم.

You and I have a history.

من و تو خاطراتی داریم.

You did not wait.

تو صبر نکردی.

Rape

تجاوز جنسی

you tried to rape me.

تو تلاش کردی که به من تجاوز کنی.

Please untie me.

لطفا منو باز کن.

I'm looking for a cell phone that a woman stole from me.

دنبال یک موبایل هستم که به خانمی از من دزدیده.

She looks like this.

اون شبیه اینه.

No, can't help you.

نه، نمیتونم بهت کمک کنم.

Can't or won't?

نمیتونی یا نمیخواهی؟

policy

سیاست

sorry. Store policy, that's all.

شرمنده، سیاست مغازست. همین.

Hey, what are you doing?

هی، داری چیکار میکنی؟

said her phone was hacked and wanted to know who did it.

میگفت گوشیش هک شده و میخواست بدونه که کار کیه.

And now she knows, doesn't she?

و الان میدونه، مگه نه؟

you've never seen snow, have you?

تا حالا برف ندیدی، مگه نه؟

that's the point.

نکته همینه.

Everything in my life till now..

همه چیزم در زندگیم تا الان..

I want to be on the other side of it.

من میخوام اونطرفش باشم.

Oh, give me one sec. Sorry

اوه ، یه لحظه به من اجازه بده، شرمنده.

You never came back.

تو اصلا برنگشتی.

Okay, I just want to let you know that..

باشه، فقط میخوامم اینو بدونی که..

I figured out who was hacking your phone.

فهمیدم چه کسی تلفنت رو هک کرده.

What are you talking about?

چی داری میگی؟

whoever hacked your phone, used your thumbprint.

هرکی گوشیت رو هک کرده، تونسته از اثر انگشتت استفاده کنه.

When you were in the hospital.

وقتی تو بیمارستان بودی.

They tracked me down using my cell phone.

اونا به وسیله ی موبایلم منو ردیابی کردن.

I've learned some things.

یه چیزایی فهمیدم.

About who it is we're apparently both looking for.

درمورد این که هر دو مون دنبال کیا هستیم.

I'm made of the distance.

من زاده جای دورم.

I am the distance.

من خودم جای دورم.

Kellerman is behind this?

کلرمن پشت ایناست؟

soil

کثیف کردن - خاک

I'm soiling myself here, just so you know.

من دارم خودمو کثیف میکنم که میدونی چرا.

Look, I'm just gonna say one thing, okay?

ببین، فقط یه چیز میگم، باشه؟

you're like a brother to me.

تو برای من مثل یک برادری.

Like an older brother.

مثل یه برادر بزرگتر.

I'm not much of a brother.

من بیشتر از یه برادر نیستم.

Integrity

بدون عیب - کمال - درستی - راستی

when you pulled me out of that prison in the Ozarks, you had integrity.

تو وقتی منو از اون زندان تو اوزارکس بیرون آوردی، بدون عیب بودی.

I know we were doing CIA work.

من میدونم که داریم کارای سی ای ای رو انجام میدیم.

It was about you and me. And having each other's back.

این درمورد من و تو بود. و هوای همدیگه رو داشته باشیم.

You were still you.

تو هنوز خودتی.

Did something happen to you while you were in solitary?

برات اتفاقی افتاد وقتی تو انفرادی بودی؟

I already told you Ramal is out of the picture.

بهدت گفتم که رامال بیرون از این قضیه هست.

Whisper

زمزمه کردن - پچ پچ کردن - بیخ گوش

what did you whisper to him?

چه چیزی تو گوشش زمزمه کردی؟

you whispered something, what was that?

یه چیزی بهش گفتی، چی بود؟

how do you know?

چطور میدونی؟

he told me at dinner.

اون سر شام بهم گفت.

He said he would come for us.

اون گفت برای ما میاد.

It's supposed to be only me.

فقط قراره من باشم.

But you will all be coming.

ولی همه شما قراره بیاین.

You trusted the liar, didn't you?

به اون دروغگو اعتماد کردی، مگه نه؟

now, we just pray.

حالا باید فقط دعا کنیم.

We got to hurry.

باید عجله کنیم.

Don't worry.

نگران نباش.

They're down the hall.

اونا پایین راهرو هستن.

Come on, where are you?

یا، کجایی؟

when in doubt, go old school.

در موقع شک، باید سنتی کار کرد.

Get the generators up.

ژنراتورها رو راه بندازید.

Inmates

زندانیان

get these inmates back inside.

زندانی ها رو برگردونید به سلولشون.

Get their weapons.

سلاح هاشون رو بگیرید.

They are trying to escape without us.

میخوان بدون ما فرار کنن.

Get to their cell.

برو به سلولشون.

Give me your phone.

گوشیت رو بده.

Secure every room.

مراقب همه ی اتاقا باشید.

Shoot only if you have to.

فقط در صورت لزوم، شلیک کنید.

This way.

از این طرف.

Get off me.

ولم کن.

It's easier if you don't struggle.

اگه اینقد تقلا نکنی خیلی راحتتره.

Bastard

حرامزاده

this is how you treat me?

اینجوری جواب منو میدی؟

it's me.

منم.

Are you okay?

حالت خوبه؟

rendezvous

محل قرار – میعادگاه – قرار ملاقات گذاشتن

get to the rendezvous.

برو به محل قرار.

What happened?

چی شده؟

lockdown

قرنطینه

we got problems.

مشکل داریم.

Guys are trying to get into the cell.

چند نفر میخوان وارد سلول بشن.

What's wrong?

چی شده؟

try and buy us some time.

سعی کن یکم زمان بخری.

I'm taking care of it.

من ترتیشو میدم.

They are escaping.

اونا دارن فرار میکنن.

They will kill us.

اونا ما رو میکشند.

We're still not clear up top.

هنوز کاملا امن نشده.

Make sure they don't get up.

مطمئن شو (کاری کن) که نیان بالا.

Pull yourself up.

خودتو بکش بالا.

Get him up here first.

اول اونو بیار بالا.

That's not how this works.

اینجوری نمیشه.

You pull my brother up first.

اول برادرم رو بکش بالا.

Step away.

برید کنار.

We've got a minute tops to get out of here.

نهایتا به دقیقه واسه خروج داریم.

Drop them.

بندازید.

Put it down.

بذارش زمین.

What are you doing in this cell?

توی این سلول چیکار میکنی؟

they're on the roof.

اونا روی سقف هستن.

Don't shoot.

شلیک نکنید.

I trusted you.

من بهت اعتماد کردم.

And you lied to me.

و تو بهم دروغ گفتی.

Maybe even tomorrow.

شاید حتی همین فردا.

I'm putting you in danger by saying this.

با گفتن چنین چیزی باعث میشم در خطر قرار بگیری.

But maybe it doesn't matter because I'll be dead.

اما شایدم اهمیت نداره، چون تا اون موقع مردم.

This whole lie, it was for you.

تموم این دروغ، به خاطر تو بود.

If I do die..

اگه من مردم..

the man I have always been.

کسی که همیشه بودم.